



به نام خدا

پردیس : شهید صدوقی کرمانشاه

عنوان : کارورزی ۳

نام استاد راهنما : سرکار خانم سارا عظیمی

نام معلم راهنما : سرکار خانم زهرا میر توکلی

نام دانشجو : عقیق نیازی

سال تحصیلی : ۱۴۰۴-۱۴۰۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده :

فهرست مطالب :

فهرست ضمائم :

فهرست تصاویر :

مقدمه :

کارورزی به عنوان یکی از اصلی ترین و تأثیرگذارترین دروس رشته های تربیت معلم، پلی میان آموخته های نظری دانشگاه و تجربه های عملی محیط واقعی آموزش است. در واقع، کارورزی به دانشجو معلم کمک می کند تا مفاهیم، نظریه ها و مهارت های تدریس را از سطح دانش تئوریک به سطح تجربه و عملکرد منتقل کند. این فرایند، مهم ترین گام برای ورود آگاهانه، هدفمند و حرفه ای به عرصه ی معلمی به شمار می رود.

تعلیم و تربیت به عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه جوامع است که نقش بسزایی در افزایش سطح دانش و آگاهی افراد ایفا می کند ؛ در واقع آموزش نه تنها به فرد امکان می دهد تا مهارت ها و دانش لازم را کسب کند بلکه او را برای ایفای نقش موثر در جامعه آماده می سازد (رحمانی و میرزایی - ۱۴۰۳)

معلم هم به عنوان مهم ترین رکن تعلیم و تربیت ، نقش بسزایی در تربیت ابعاد آموزشی ، اعتقادی ، عاطفی ، اخلاقی ، ساسی و اجتماعی دانش آموزان ایفا می کند ؛ هرگونه تحول اساسی در جامعه مستلزم متحول شدن نظام آموزشی آن جامعه است و محور اصلی پیشرفت هر نظام آموزشی ، کیفیت عملکرد معلم می باشد (سمیه رواند_ ۱۴۰۰)

یکی از مولفه های کلیدی در برنامه های تربیت معلم ، دوره های کارورزی است ؛ برنامه درسی کارورزی ، برنامه یادگیری فکورانه و تجربی بر مبنای صلاحیت های علمی و حرفه ای دانشجو معلمان در صحنه عمل است ؛ کارورزی یکی از مهم ترین دروس تربیت معلم است ؛ در این رهگذر دانشجو معلمان دانش ، مهارت و نگرش علمی را در پرتو تلفیق دانش نظری و عملی و بر مبنای محیط های واقعی آموزشی به دست می آورند (قربانی و جعفری -۱۳۹۵) کارورزی درسی در کنار سایر دروس نیست و پلی بین نظر و عمل است که دانش و نظریه دانشگاهی را با کاربرد و مهارت در محیط کار تلفیق می کند (فرخی و طاطاری -۱۳۹۹) این برنامه در دانشگاه فرهنگیان در چهار ترم و هشت واحد ارائه خواهد شد که نقش مهمی در پرورش شایستگی های معلمی دانشجو معلمان دارد ؛ در توسعه شایستگی های دانشجو معلمان ، حضور و عمل و بازاندیشی بر عمل توسط دانشجو معلمان در کلاس

درس ، تعامل مدرسه و دانشگاه ، حمایت استاد کارورزی و معلم راهنما ، اهداف مشترک و هماهنگ مدرسه و دانشگاه ، مسئله یابی ،سمینار ،کارگاه و پژوهش روایتی موثر است . (امام جمعه و جمشیدی توانا -۱۳۹۵) در واقع کارورزی به دانشجو معلمان کمک می کند تا با فرهنگ مدرسه ، انتظارات حرفه ای معلمی ، و چالش های واقعی آموزش از نزدیک آشنا شوند ؛ و تجربه حضور در کلاس و تعامل با معلمان راهنما، فرصت مناسبی برای باز اندیشی در شیوه های تدریس و بهبود عملکرد آموزشی به وجود می آورد .

تاثیر کارورزی ۱ و ۲ و به ویژه کارورزی ۳ در رشد حرفه ای معلم :

مطالعات متعدد نشان داده اند که کارورزی نه تنها موجب آشنایی دانشجو معلمان با واقعیت های تدریس می شود بلکه در رشد مهارت های حرفه ای ، مدیریت کلاس ، و شکل گیری نگرشی تربیتی آنان نقش بسزایی دارد (فرخی افروز -۱۳۹۹ و قریشی خوراسگانی -۱۴۰۱) در کارورزی ۱، دانشجومعلمان با ورود به محیط مدرسه، نقش یک ناظر دقیق و تحلیل گر را ایفا می کنند؛ در این مرحله، مشاهده عمیق و بررسی جزءبه جزء ساختار و فضای فیزیکی مدرسه، آشنایی با چیدمان کلاس ها، امکانات آموزشی، وضعیت فضاهای فیزیکی همچون کتابخانه و آزمایشگاه و نظم و سازماندهی محیط، به طور جدی مورد توجه قرار می گیرد. علاوه بر این، تحلیل و ارزیابی روابط انسانی میان معلمان، دانش آموزان و اولیا اهمیت ویژه ای دارد؛ بررسی میزان صمیمیت، کیفیت رابطه عاطفی، تعاملات موثر یا چالش های احتمالی میان اعضای مدرسه، درک عمیق تری از فضای تربیتی و فرهنگی مدرسه به دانشجومعلم می بخشد. همچنین، مقایسه وضعیت مدرسه با استانداردهای آموزشی، بررسی چارت سازمانی و آئین نامه های انضباطی مدرسه، و مطالعه نقش و وظایف هر یک از کارکنان، به دانشجومعلم کمک می کند تا شناخت جامعی از ساختار اجرایی و نظام مند مدرسه به دست آورد. در نهایت، ارزیابی نظام آموزشی و شیوه های مدیریتی مدرسه، دیدی همه جانبه از محیط آموزشی ایجاد می کند و زمینه را برای مراحل بعدی کارورزی فراهم می سازد.

براساس یافته های پژوهش فرخی افروز (۱۳۹۹) در این دوره دانشجو معلمان با مشارکت در فعالیت های واقعی کلاس، مهارت های ارتباطی، تدریس و مدیریت کلاس را تقویت می کنند. این مرحله زمینه رشد حرفه ای را از طریق افزایش اعماد به نفس، خود کارامدی و تعامل موثر با معلمان راهنما را فراهم می سازد.

در کارورزی ۲، دانشجومعلم از مرحله مشاهده صرف عبور کرده و وارد فاز فعال تر و تخصصی تری می شود. در این دوره، تمرکز اصلی بر شناسایی مسائل و چالش های آموزشی-تربیتی در سطح کلاس یا مدرسه قرار می گیرد؛ به گونه ای که دانشجومعلم با دقت به تجزیه و تحلیل موقعیت های مختلف، رفتار دانش آموزان، شیوه های تدریس معلمان و مشکلات موجود در فرآیند یادگیری می پردازد. این مرحله، فرصتی برای به کارگیری دانش و مهارت های نظری در عرصه واقعی مدرسه است. دانشجومعلم پس از شناسایی دقیق مسائل، اقدام به طراحی راهکارهای کاربردی و قابل اجرا متناسب با شرایط موجود می نماید و سپس با اجرای این راهکارها، نسبت به اثربخشی، نقاط قوت و ضعف اقدامات خود تأمل کرده و آنها را مورد ارزیابی قرار می دهد. این چرخه چالش برانگیز «مسئله یابی - راه حل یابی ارزیابی عملکرد»، سبب تقویت تفکر تأملی، مهارت حل مسئله و تصمیم گیری حرفه ای در دانشجومعلمان می شود و آنها را برای ایفای نقش مؤثر در نظام آموزشی کشور آماده می سازد. کارورزی با فراهم آوردن فرصت تأمل و خودارزیابی، به دانشجو می آموزد که معلمی تنها انتقال دانش نیست، بلکه هنری است متکی بر تفکر، احساس مسئولیت، و درک عمیق از یادگیری انسان. از این رو، دانشجو در مسیر کارورزی یاد می گیرد که آموزش مؤثر مستلزم برنامه ریزی دقیق، انعطاف در روش های تدریس، و احترام به تفاوت های فردی دانش آموزان است.

در مجموع، کارورزی ۳ مرحله ای سرنوشت ساز در شکل گیری هویت حرفه ای دانشجو معلم است. این دوره، فرصتی ارزشمند برای پیوند دادن نظریه و عمل، رشد درک آموزشی، و تجربه ی واقعی نقش معلمی به شمار می رود. دانشجو در پایان این دوره نه تنها با مهارت های فنی تدریس، بلکه با نگرش انسانی و اخلاقی لازم برای حضور مؤثر در عرصه ی تعلیم و تربیت آشنا می شود و گامی استوار در مسیر معلم شدن برمی دارد.

اکنون در کارورزی ۳، دانشجو وارد مرحله‌ای عمیق‌تر و عملی‌تر از تجربه‌ی آموزشی می‌شود. هدف این دوره، تمرکز بر اجرای واقعی تدریس، ارزیابی عملکرد خود، و پرورش توانایی تأمل، بازخوردگیری و بهبود مستمر است. در این مرحله، دانشجو مسئولیت بیشتری در طراحی، اجرای و تحلیل فرایند یادگیری بر عهده دارد و با راهنمایی استاد و معلم راهنما می‌آموزد چگونه یک درس را از ابتدا تا انتها با رویکردی علمی و آموزشی مدیریت کند.

اهمیت این دوره در آن است که دانشجو معلم، در شرایط واقعی کلاس درس قرار می‌گیرد و فرصت می‌یابد تا مهارت‌هایی همچون تصمیم‌گیری سریع، کنترل شرایط غیرمنتظره، تعامل مؤثر با دانش‌آموزان و همکاران، و استفاده از روش‌های نوین تدریس را در عمل تجربه کند. این تجربه‌ها نه تنها موجب رشد حرفه‌ای، بلکه باعث بلوغ شخصیتی و افزایش اعتماد به نفس در ایفای نقش معلمی می‌شود.

بیانیه من :

از همان روزهای نخست ورودم به دانشگاه فرهنگیان، درک کردم که معلمی تنها یک شغل نیست؛ بلکه تعهدی انسانی و فرهنگی است که با جان و دل باید پذیرفته شود. کارورزی برای من فرصتی بود تا این تعهد را در میدان واقعی آموزش تجربه کنم؛ جایی که هر نگاه دانش‌آموز، هر پرسش ساده، و هر سکوت معنادار، حامل پیامی بود برای رشد من به عنوان یک معلم آینده .

در مدرسه‌ی محل کارورزی، با چالش‌هایی مواجه شدم که هیچ کتاب درسی نمی‌توانست به‌تنهایی پاسخگوی آن‌ها باشد. از مدیریت کلاس گرفته تا درک تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، هر روز فرصتی بود برای یادگیری، تأمل و اصلاح. به‌ویژه در مرحله‌ی سوم کارورزی، که مسئولیت هدایت کلاس را به‌طور مستقل برعهده داشتم، آموختم که معلمی یعنی تصمیم‌گیری در لحظه، همدل بودن با دانش‌آموز، و خلق فضای یادگیری با انعطاف و خلاقیت؛ همچنین با دانش‌آموزانی مواجه شدم که هر کدام دنیایی منحصر به‌فرد داشتند. برخی پُرانرژی و کنجکاو، برخی

آرام و محتاط، و برخی نیازمند توجهی بیشتر. این تنوع، مرا به تأمل واداشت: آیا آموزش یک نسخه‌ی واحد دارد؟ پاسخ را در درس روان‌شناسی تربیتی یافتیم؛ جایی که آموختم تفاوت‌های فردی، سبک‌های یادگیری، و مراحل رشد شناختی، باید در طراحی آموزشی لحاظ شوند. همان‌طور که کمالی (۱۳۹۸) اشاره می‌کند،

معلم مؤثر کسی است که آموزش را با سطح رشد ذهنی شاگردان هماهنگ می‌سازد. در مرحله‌ی سوم کارورزی، که مسئولیت هدایت کلاس را به‌طور مستقل برعهده داشتم، با چالش‌هایی روبه‌رو شدم که نیازمند تصمیم‌گیری سریع، مدیریت زمان، و تعامل مؤثر با دانش‌آموزان بود. این تجربه، مهارت‌های حرفه‌ای مرا تقویت کرد و به من آموخت که معلمی، ترکیبی از علم، هنر و اخلاق است. همان‌طور که تسلیمی (۱۴۰۱) بیان می‌کند، کارورزی پلی است میان دانشگاه و مدرسه؛ پلی که هویت حرفه‌ای معلمی را شکل می‌دهد، درس اخلاق حرفه‌ای، برای من معنایی فراتر از یک واحد درسی داشت. در آن آموختم که معلمی، مسئولیتی اخلاقی است؛ مسئولیتی در قبال رشد انسانی، حفظ کرامت شاگرد، و ایجاد فضایی امن برای یادگیری.

پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که رعایت اصول اخلاقی، موجب افزایش اعتماد و انگیزه‌ی دانش‌آموزان می‌شود؛

تجربه‌ای که من نیز در کلاس به‌وضوح لمس کردم، در درس تکنولوژی آموزشی، با ابزارهایی آشنا شدم که می‌توانند یادگیری را تعمیق بخشند و کلاس را از حالت سنتی خارج کنند. استفاده از تخته‌ی هوشمند، نرم‌افزارهای تعاملی، و منابع دیجیتال، باعث شد دانش‌آموزان با اشتیاق بیشتری در فعالیت‌ها مشارکت کنند. همان‌طور که کریمی (۱۳۹۹) اشاره می‌کند، فناوری آموزشی، ابزاری قدرتمند برای افزایش تعامل و انگیزه‌ی یادگیری است. پژوهش‌ها نیز این تجربه را تأیید می‌کنند؛ برای مثال، استفاده از نظریه‌های ویگوتسکی و بندورا در طراحی فعالیت‌های آموزشی، موجب افزایش تعامل و انگیزه‌ی یادگیری می‌شود. (تسلیمی - ۱۴۰۱)، همچنین دریافتم که صداقت، صبر، و احترام به تفاوت‌ها، سه ستون اصلی در ساختن رابطه‌ای انسانی با دانش‌آموزان هستند. همان‌طور

که حسین‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) اشاره کرده‌اند، رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای، تأثیر مستقیمی بر اعتماد و انگیزه‌ی دانش‌آموزان دارد. اکنون، در آستانه‌ی ورود به کلاس مستقل خود، با نگاهی روشن‌تر و قلبی پرشورتر، آماده‌ام تا ؛ نقش خود را در مسیر رشد نسل آینده ایفا کنم. باور دارم که هر لحظه‌ی حضورم در کلاس، فرصتی است برای روشن کردن چراغی در ذهن و دل یک انسان .

در نهایت، کارورزی به من نشان داد که معلمی، نه فقط انتقال محتوا، بلکه هدایت، الهام‌بخشی، و ساختن آینده است. هر تعامل با دانش‌آموز، فرصتی است برای تأثیرگذاری؛ هر لحظه‌ی تدریس، بستری برای رشد؛ و هر تصمیم آموزشی، گامی در مسیر ساختن انسان‌هایی متفکر، مسئول و خلاق ؛ اکنون، با نگاهی روشن‌تر و قلبی پرشورتر، آماده‌ام تا کلاس خود را با عشق، دانش و تعهد هدایت کنم. باور دارم که آموزش، چراغی است که با حضور معلم روشن می‌شود؛ و من، با تمام وجود، آماده‌ی روشن کردن این چراغ هستم.

الف (توانمندی ها و ویژگی های معلم :

در مسیر کارورزی، به این باور رسیدم که معلمی تنها انتقال دانش نیست؛ بلکه هدایت‌گری، الهام‌بخشی و ساختن بستر رشد انسانی است. تجربه‌ی حضور در کلاس درس، به من نشان داد که معلم موفق کسی است که بتواند همزمان ذهن، دل و رفتار دانش‌آموز را درگیر کند.

۱. شناخت تفاوت‌های فردی و طراحی آموزشی متناسب با آن‌ها هر دانش‌آموز با سبک یادگیری، نیازهای شناختی و عاطفی خاص خود وارد کلاس می‌شود. معلمی که این تفاوت‌ها را بشناسد و در طراحی فعالیت‌های آموزشی لحاظ کند، زمینه‌ی یادگیری عمیق‌تری را فراهم می‌سازد. مظاهری (۱۳۸۸) در کتاب «ویژگی‌های معلم خوب» تأکید می‌کند که سعه‌صدر، انعطاف‌پذیری و شناخت شخصیت شاگرد، از ارکان معلمی مؤثر است.

۲. مهارت در ارتباط انسانی و ایجاد فضای امن روانی ارتباط مؤثر، پایه‌ی یادگیری پایدار است. معلمی که با احترام، همدلی و گوش‌دادن فعال با دانش‌آموزان تعامل می‌کند، اعتماد و انگیزه را در آنان تقویت می‌نماید. مقاله‌ی

«ویژگی‌های معلم اثربخش و موفق» منتشرشده در همایش نوآوری‌های فناورانه، نشان می‌دهد که رابطه‌ی انسانی مثبت، یکی از عوامل کلیدی در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان است. (حیدری و همکاران -۱۴۰۴)

۳. مدیریت کلاس با رویکرد مشارکتی و انگیزشی مدیریت کلاس، فراتر از نظم ظاهری است؛ یعنی سازماندهی فعالیت‌ها، هدایت تعاملات و ایجاد فضای یادگیری پویا. مقاله‌ی «بررسی ویژگی‌های شخصیتی معلمان حرفه‌ای» تأکید دارد که معلمان موفق از راهبردهای مشارکتی، بازخورد مثبت و تقویت رفتارهای مطلوب بهره می‌برند. (همکاران -۱۴۰۲)

۴. تعهد به یادگیری مستمر و به‌روز بودن علمی معلمان حرفه‌ای است که نیازمند رشد دائمی است. مطالعه‌ی منابع جدید، شرکت در دوره‌های ضمن خدمت، و آشنایی با فناوری‌های نوین آموزشی، از وظایف حرفه‌ای معلم است. کتاب «معلم خوب» اثر فاطمی‌راد، بر اهمیت خودآموزی و توسعه‌ی حرفه‌ای معلمان تأکید دارد. (فاطمی راد-شمسی -۱۴۰۳)

۵. اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت‌پذیری اجتماعی معلم نه‌تنها الگوی علمی، بلکه الگوی اخلاقی دانش‌آموزان است. رعایت عدالت، رازداری، صداقت و احترام به تفاوت‌ها، اصولی هستند که باید در رفتار روزمره‌ی معلم نمود داشته باشند. مقاله‌ی «ویژگی‌های یک معلم خوب در آموزش و پرورش» بیان می‌کند که اخلاق حرفه‌ای، نقش بنیادینی در شکل‌گیری اعتماد و انگیزه دارد (آدینه پور -۱۴۰۴)

در طول دوران کارورزی، بارها با خودم فکر کردم که معلمی برای من چه معنایی دارد. هر بار که وارد کلاس می‌شدم و نگاه‌های پرسش‌گر دانش‌آموزان را می‌دیدم، حس می‌کردم مسئولیتی فراتر از تدریس بر دوشم است. من باید شنونده‌ی احساسات باشم، راهنما در مسیر یادگیری، و گاهی حتی پناهی برای دل‌های خسته. یکی از توانمندی‌هایی که در خودم تقویت کردم، توانایی دیدن فراتر از ظاهر دانش‌آموزان بود. یاد گرفتم که پشت هر رفتار، دلیلی هست؛ پشت هر سکوت، شاید نیازی پنهان. این نگاه انسانی، به من کمک کرد تا ارتباطی عمیق‌تر

با شاگردانم برقرار کنم و فضای کلاس را به محیطی امن و انگیزشی تبدیل کنم؛ همچنین، در طراحی فعالیت‌های آموزشی، همیشه تلاش کردم تا خلاقیت و کاربردی بودن را در اولویت قرار دهم. برایم مهم بود که دانش‌آموزان فقط حفظ نکنند، بلکه بفهمند، تجربه کنند و لذت ببرند. استفاده از نقشه‌ها، نمادها، و تصاویر در تدریس، نه تنها به درک بهتر مفاهیم کمک کرد، بلکه باعث شد کلاس برای آن‌ها زنده‌تر و معنادارتر شود.

در مدیریت کلاس، سعی کردم ترکیبی از نظم و انعطاف را به کار بگیرم. گاهی لازم بود قاطع باشم، و گاهی شنونده‌ی صبور. این تعادل، به من کمک کرد تا هم احترام شاگردان را حفظ کنم، و هم فضای یادگیری را پویا نگه دارم.

در نهایت، باور دارم که معلمی، حرفه‌ای است که با عشق معنا پیدا می‌کند. هر روزی که در کلاس بودم، با تمام وجود تلاش کردم تا چراغی در ذهن و دل دانش‌آموزان روشن کنم؛ چراغی که شاید مسیر زندگی‌شان را تغییر دهد.

ب) ماموریت من :

ماموریت من به عنوان یک معلم آینده، فراتر از انتقال مفاهیم درسی است. من خود را متعهد می‌دانم به ساختن فضایی که در آن، یادگیری نه یک اجبار، بلکه تجربه‌ای لذت‌بخش، انسانی و الهام‌بخش باشد. هدف من این است که کلاس درس، جایی باشد برای رشد ذهن، پرورش شخصیت، و شکوفایی استعدادها و پنهان دانش‌آموزان. من می‌خواهم معلمی باشم که:- با درک تفاوت‌های فردی، برای هر دانش‌آموز مسیری منحصر به فرد در یادگیری طراحی کند؛ با ایجاد فضای امن روانی، اعتماد و انگیزه را در دل شاگردان زنده نگه دارد؛ با استفاده از روش‌های فعال و خلاقانه، یادگیری را به تجربه‌ای معنادار و ماندگار تبدیل کند؛ - و با پایبندی به اخلاق حرفه‌ای، الگویی باشد برای صداقت، عدالت و مسئولیت‌پذیری.

در مسیر حرفه‌ای‌ام، همواره به یادگیری مستمر پایبند خواهم بود. باور دارم که معلمی، حرفه‌ای ایستا نیست؛ بلکه نیازمند رشد دائمی، بازاندیشی و به‌روزرسانی است. همان‌طور که در پژوهش بابایی و محمدزاده (۱۴۰۴) آمده، معلمان مؤثر، همواره در حال یادگیری، بازآفرینی روش‌ها و توسعه‌ی شایستگی‌های حرفه‌ای خود هستند. همچنین، مأموریت من پیوند زدن آموزش با زندگی واقعی است. می‌خواهم دانش‌آموزانم بیاموزند که دانستن، مقدمه‌ی عمل است؛ و یادگیری، ابزاری برای تصمیم‌گیری آگاهانه، تفکر انتقادی و زیستن مسئولانه در جامعه. در نهایت، مأموریت من این است که چراغی باشم در مسیر رشد انسان‌ها؛ چراغی که با نور دانش، گرمای محبت، و روشنی امید، مسیر آینده‌ی شاگردانم را روشن‌تر کند.

ردیف	ویژگی های یک معلم ایده ال، که من می‌خواهم به آن دست پیدا کنم.
۱	معلمی با رویکرد انسانی و ارتباط محور و تقویت کننده مهارت های ارتباطی ، همدلی و شنیدن فعال
۲	معلمی یادگیرنده و پژوهش محور و به روز در دانش تخصصی خود و روش های تدریس
۳	معلمی خلاق و انعطاف پذیر و استفاده فناوری ، هنر و بازی در آموزش
۴	معلمی مسئول و ارزش مدار و شهروندساز
۵	معلمی الگوساز در رفتار ، گفتار ، تصمیم گیری و سبک زندگی
۶	معلمی تحلیل گر و ارزیاب و استفاده از روش های ارزیابی متنوع ، توصیفی و عملکردی
۷	معلمی الهام بخش و ایجاد انگیزه درونی برای یادگیری و رشد فردی
۸	معلمی معنا گرا و تبدیل کننده کلاس درس به فضایی برای رشد انسان کامل

نقطه بهسازی :

کارورزی برای من، فرصتی بود تا نه تنها توانمندی‌هایم را بشناسم، بلکه با چالش‌ها و نقاط قابل بهسازی خود نیز مواجه شوم. بازخوردهای استاد راهنما، معلم میزبان و تأملات شخصی‌ام، به من کمک کردند تا مسیر رشد حرفه‌ای‌ام را شفاف‌تر ببینم. در ادامه، سه حوزه‌ای را که نیازمند بهسازی و تقویت می‌دانم، بیان می‌کنم:

۱. تقویت مهارت مدیریت زمان در کلاس در برخی جلسات، متوجه شدم که زمان‌بندی اجرای فعالیت‌ها با آنچه در طرح درس پیش‌بینی کرده بودم، هم‌خوانی نداشت. گاهی بخشی از محتوا باقی می‌ماند یا فرصت کافی برای جمع‌بندی نبود. این تجربه به من نشان داد که مدیریت زمان، یکی از ارکان تدریس اثربخش است.

طبق پژوهش کاظمی و همکاران (۱۳۹۸)، برنامه‌ریزی دقیق زمانی، موجب افزایش تمرکز، کاهش آشفتگی و ارتقای کیفیت یادگیری می‌شود؛ برای بهبود این مهارت، تصمیم دارم از تکنیک‌هایی مانند تقسیم زمان به بازه‌های مشخص استفاده از تایمر آموزشی و تمرین اجرای طرح درس در زمان محدود بهره ببرم.

۲. بهبود مهارت استفاده از فناوری‌های آموزشی اگرچه با ابزارهایی مانند پاورپوینت و ویدئوهای آموزشی آشنایی دارم، اما در کارورزی متوجه شدم که هنوز در استفاده خلاقانه و هدفمند از فناوری، جای رشد دارم. در برخی موارد، می‌توانستم از نرم‌افزارهای تعاملی یا ابزارهای دیجیتال برای افزایش مشارکت دانش‌آموزان استفاده کنم، اما به دلیل عدم تسلط کافی، از آن صرف‌نظر کردم. پژوهش خدادادی و رضایی (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که کاربرد مؤثر فناوری آموزشی، موجب افزایش انگیزه، تعامل و یادگیری عمیق‌تر می‌شود. بنابراین، تصمیم دارم با شرکت در دوره‌های ضمن خدمت و تمرین عملی، این مهارت را تقویت کنم.

۳. افزایش تنوع در روش‌های ارزشیابی در طول کارورزی، بیشتر از آزمون‌های کتبی و پرسش‌های شفاهی استفاده کردم. اما با مطالعه منابع علمی و مشاهده‌ی همکاران باتجربه، دریافتم که ارزشیابی باید متنوع، مستمر و کیفی

باشد تا بتواند تصویر دقیق‌تری از پیشرفت دانش‌آموز ارائه دهد. به‌ویژه استفاده از روش‌هایی مانند پوشه‌ی کار، خودارزیابی، و بازخورد توصیفی، می‌تواند به رشد خودتنظیمی و انگیزه‌ی درونی شاگردان کمک کند (بهشتی، ۱۳۹۸). در آینده، تلاش خواهیم کرد تا این روش‌ها را در برنامه‌ی تدریس خود بگنجانیم.

تحلیل موقعیت :

الف (تحلیل آموزشی

یک معلم خلاق در دوره ابتدایی باید مهارت‌هایی مانند مدیریت کلاس، نوآوری در روش تدریس، ارزشیابی متنوع، ارتباط مؤثر و پرورش تفکر انتقادی داشته باشد. در کارورزی‌های ۱، ۲ و ۳، معلمان راهنما معمولاً بخشی از این مهارت‌ها را به کار گرفته‌اند. مثلاً استفاده از روخوانی خلاق، بارش مغزی و املای خلاقانه. مهارت‌های کلیدی معلم خلاق در دوره ابتدایی بر اساس پژوهش‌های آموزشی، معلم خلاق کسی است که با روش‌های نوین، فضای یادگیری را جذاب و فعال می‌کند.

مهم‌ترین مهارت‌ها عبارت‌اند از: مدیریت کلاس و ارتباط مؤثر: توانایی ایجاد نظم همراه با فضای دوستانه و انگیزشی - نوآوری در روش تدریس: استفاده از روش‌های فعال مانند املای خلاقانه، روخوانی نمایشی، بازی‌های آموزشی و بارش مغزی - ارزشیابی متنوع: طراحی آزمون‌های عملکردی، پوشه‌ی کار و ارزشیابی توصیفی برای سنجش واقعی یادگیری - پرورش تفکر انتقادی و خلاقیت دانش‌آموزان: تشویق به پرسشگری، ارائه ایده‌های جدید و نگاه متفاوت به مسائل - توانایی شناخت ظرفیت‌های فردی دانش‌آموزان: توجه به تفاوت‌های فردی و شرایط خانوادگی در مسیر یادگیری؛ نمونه‌های مشاهده‌شده در کارورزی‌های ۱، ۲ و ۳

کارورزی ۱: معلم راهنما بیشتر از روش روخوانی خلاق استفاده می‌کرد؛ با تغییر لحن و نقش‌آفرینی، دانش‌آموزان را به مشارکت فعال تشویق می‌کرد.

کارورزی ۲: تمرکز بر بارش مغزی در کلاس علوم؛ دانش‌آموزان آزادانه ایده‌های خود را مطرح می‌کردند و معلم آن‌ها را هدایت می‌کرد تا به نتیجه برسند.

کارورزی ۳: استفاده از املای خلاقانه؛ دانش‌آموزان متن را به صورت داستان یا بازی کلمه‌ای بازنویسی می‌کردند که باعث افزایش دقت و علاقه شد. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که معلمان راهنما بخشی از مهارت‌های خلاقانه را در عمل به کار گرفته‌اند و فضای یادگیری را جذاب‌تر کرده‌اند.

در طول دوره‌ی کارورزی، یکی از مهم‌ترین ابعاد محیط آموزشی که توجه مرا به خود جلب کرد، شیوه‌های تدریس و فضای یادگیری در کلاس درس بود. مشاهده‌ی مستقیم رفتار دانش‌آموزان، نحوه‌ی تعامل معلم با شاگردان، و واکنش آنان به فعالیت‌های آموزشی، به من کمک کرد تا درک عمیق‌تری از مؤلفه‌های مؤثر در آموزش ابتدایی به دست آورم.

در مدرسه‌ی محل کارورزی، تدریس اغلب به صورت سنتی و مبتنی بر سخنرانی بود؛ با تمرکز بر حفظ مطالب و پاسخ‌گویی به پرسش‌های معلم. با وجود تلاش‌های معلم برای کنترل کلاس و انتقال مفاهیم، برخی دانش‌آموزان دچار بی‌انگیزگی، عدم تمرکز یا مشارکت سطحی بودند. این وضعیت، مرا به تأمل واداشت: آیا روش‌های فعلی تدریس، پاسخ‌گوی نیازهای یادگیری کودکان امروز هستند؟

با مطالعه‌ی منابع علمی و تجربه‌ی عملی در کلاس، دریافتم که آموزش مؤثر در دوره‌ی ابتدایی، نیازمند استفاده از روش‌های فعال، خلاقانه و مشارکتی است. پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که یادگیری مبتنی بر تجربه، بازی، داستان‌سرایی و فعالیت‌های گروهی، موجب افزایش انگیزه، درک مفاهیم و رشد تفکر

انتقادی در دانش‌آموزان می‌شود. در جلساتی که خودم تدریس را برعهده داشتم، تلاش کردم از روش‌هایی مانند بازی‌های آموزشی، نقشه ذهنی، و فعالیت‌های گروهی استفاده کنم. واکنش دانش‌آموزان بسیار مثبت بود؛ مشارکت بیشتر، پرسش‌های خلاقانه، و تعامل مؤثر با محتوا. این تجربه به من آموخت که معلم موفق، تسهیل‌گر یادگیری است، نه صرفاً انتقال‌دهنده‌ی دانش.

همچنین، متوجه شدم که فضای فیزیکی کلاس، چیدمان صندلی‌ها، نور، و ابزارهای آموزشی، نقش مهمی در کیفیت یادگیری دارند. در برخی کلاس‌ها، نبود امکانات مناسب مانند تخته هوشمند یا منابع تصویری، باعث محدود شدن تنوع روش‌های تدریس می‌شد. طبق پژوهش قاسمی (۱۴۰۰)، محیط یادگیری فعال و مجهز، موجب افزایش تعامل، تمرکز و انگیزه‌ی یادگیری در دانش‌آموزان می‌شود؛ در مجموع، تحلیل آموزشی من نشان داد که برای ارتقای کیفیت آموزش در دوره‌ی ابتدایی، باید به سه محور توجه ویژه داشت: - استفاده از روش‌های تدریس فعال و متناسب با سن و نیاز دانش‌آموزان؛ - ایجاد فضای روانی امن و انگیزشی برای مشارکت؛ - تجهیز کلاس به ابزارهای کمک‌آموزشی و فناوری‌های نوین.

در جریان سه مرحله‌ی کارورزی، با سه محیط آموزشی متفاوت و سه سبک تدریس متمایز روبه‌رو شدم که هر کدام تأثیر عمیقی بر نگاه من به آموزش ابتدایی گذاشتند. این تجربه‌ها به من آموختند که آموزش مؤثر، حاصل تعامل میان روش تدریس، فضای روانی کلاس، و شناخت دقیق از نیازهای دانش‌آموزان است.

. بارش مغزی

مراحل اجرا:

طرح پرسش باز

جمع‌آوری آزادانه ایده‌ها

ثبت روی تخته

دسته‌بندی و نتیجه‌گیری

مزیت: پرورش خلاقیت افزایش اعتماد به نفس، یادگیری مشارکتی

. روخوانی خلاق

مراحل اجرا:

انتخاب متن جذاب

نقش‌آفرینی دانش‌آموزان

استفاده از صدا و تصویر

بازخورد معلم

مزیت: تقویت مهارت زبانی، افزایش علاقه به مطالعه

۳. املای خلاقانه

مراحل اجرا: ارائه متن در قالب داستان یا بازی

نوشتن با چالش (جاهای خالی، ادامه داستان)

تصحیح مشارکتی

جمع‌بندی معلم

مزیت: کاهش اضطراب املا، افزایش دقت و علاقه

۴. ایفای نقش

مراحل اجرا:

انتخاب موقعیت واقعی یا داستانی

تقسیم نقش‌ها

اجرای نقش‌ها

بحث و نتیجه‌گیری

مزیت: تقویت مهارت اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس

۵. یادگیری مبتنی بر بازی

مراحل اجرا:

انتخاب بازی مرتبط با درس

تقسیم گروه‌ها

اجرای بازی

ارتباط با محتوای درس

مزیت: افزایش انگیزه، یادگیری فعال، کار گروهی

۶. استفاده از تصویر و نقاشی

مراحل اجرا:

ارائه تصاویر مرتبط

توضیح یا تکمیل تصویر توسط دانش‌آموزان

ارتباط با درس

مزیت: تقویت حافظه دیداری، افزایش خلاقیت

۷. روش پروژه‌ای

مراحل اجرا:

انتخاب موضوع کاربردی

تقسیم وظایف

تحقیق و ساخت محصول

ارائه در کلاس

مزیت: تقویت پژوهش، مسئولیت‌پذیری، کار گروهی

۸. استفاده از موسیقی و شعر

مراحل اجرا:

انتخاب شعر یا آهنگ مرتبط

اجرای گروهی یا فردی

تحلیل متن و ارتباط با درس

مزیت: افزایش علاقه، تقویت حافظه، ایجاد فضای شاد

کارورزی ۱ – دبستان پسرانه محمد کرمانشاهی | معلم: آقای خاتم قنبرعلی

در نخستین تجربه‌ی کارورزی، با محیطی پویا و فعال مواجه شدم. معلم کلاس با بهره‌گیری از روش‌های مشارکتی، آزمایش‌های ساده، و فعالیت‌های عملی، فضای یادگیری را از حالت حافظه‌محور خارج کرده بود. دانش‌آموزان با اشتیاق در فعالیت‌ها شرکت می‌کردند و یادگیری برایشان تجربه‌ای ملموس و لذت‌بخش بود.

این سبک تدریس، با رویکرد یادگیری فعال هم‌راستا بود؛ جایی که دانش‌آموزان از طریق تجربه، کشف و تعامل با محیط، مفاهیم را درک می‌کنند. پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که یادگیری تجربی و مشارکتی، موجب افزایش انگیزه، درک مفاهیم و رشد تفکر انتقادی در دانش‌آموزان ابتدایی می‌شود.

کارورزی ۲ – دبستان دخترانه میهن | پایه چهارم | معلم: خانم علیزاده

در دومین مرحله، با فضایی متفاوت روبه‌رو شدم؛ کلاس مبتنی بر گفت‌وگو، پرسش و پاسخ، و تفکر نقادانه بود. معلم با طرح سؤال‌های باز و دعوت به بحث، دانش‌آموزان را به تحلیل و استدلال تشویق می‌کرد. این رویکرد، به‌ویژه برای دانش‌آموزان دختر، بستری فراهم می‌کرد تا با اعتماد به نفس، دیدگاه‌های خود را بیان کنند. این سبک، با نظریه‌ی ویگوتسکی درباره‌ی منطقه‌ی رشد تقریبی هم‌خوانی دارد؛ جایی که تعامل اجتماعی و گفت‌وگو، محرک رشد شناختی و زبانی کودکان است (کمالی، ۱۳۹۸). تجربه‌ی این کلاس به من آموخت که معلمی یعنی شنیدن، پرسیدن، و هدایت ذهن‌های جوان به سوی تفکر مستقل.

-کارورزی ۳ – دبستان شاهد حاج غلامحسین افتخاری | معلم: آقای خاتم باقلی

در سومین و پیشرفته‌ترین مرحله‌ی کارورزی، مسئولیت هدایت کلاس را به‌طور مستقل برعهده داشتم. معلم راهنما، با تأکید بر کار گروهی و مشارکت فعال دانش‌آموزان، فضای کلاس را به محیطی تعاملی و مسئولیت‌پذیر تبدیل کرده بود. دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک فعالیت می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند، و نتایج را ارائه می‌دادند. این روش، موجب تقویت مهارت‌های اجتماعی، خودتنظیمی و یادگیری هم‌سالان شد. پژوهش نجفی و رحیمی (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که کار گروهی در کلاس درس، موجب افزایش تعامل، مسئولیت‌پذیری و یادگیری عمیق‌تر در دانش‌آموزان می‌شود. تجربه‌ی این مرحله، به من نشان داد که معلم موفق، نه تنها آموزش می‌دهد، بلکه هدایت‌گر رشد فردی و اجتماعی شاگردان است.

در جریان کارورزی با دانش‌آموزانی مواجه شدم که دارای نیازهای یادگیری خاص بودند؛ از جمله یک دانش‌آموز بیش‌فعال، یک دانش‌آموز کندنویس، و یک مورد وارونه‌نویسی. این تجربه، نگاه من را نسبت به مفهوم «عدالت آموزشی» و ضرورت «تدریس تطبیقی» عمیق‌تر کرد.

دانش‌آموز بیش‌فعال کلاس، به‌طور مداوم از جای خود بلند می‌شد، به سمت میز معلم می‌آمد، و تمرکز کافی برای انجام تکالیف نداشت. در جلسات املا، اغلب از بقیه جا می‌ماند و نیاز به تکرار داشت. در ابتدا، این رفتارها برایم چالش‌برانگیز بود، اما با مطالعه‌ی منابع علمی و مشورت با معلم راهنما، دریافتم که این رفتارها ناشی از نیازهای عصبی-رشدی خاص اوست، نه بی‌نظمی یا بی‌توجهی عمدی.

همچنین، دانش‌آموز کندنویس کلاس، با وجود درک مفاهیم، در نوشتن بسیار کند عمل می‌کرد و اغلب از نوشتن کامل تکالیف باز می‌ماند. مورد دیگر، دانش‌آموزی بود که حروف و کلمات را وارونه می‌نوشت؛ مثلاً «ب» را به‌صورت «د» یا «۳» را به‌جای «E» این نشانه‌ها، با اختلالات یادگیری خاص مانند نارساخوانی یا نارسانویسی هم‌راستا بودند.

برای مواجهه با این چالش‌ها، اقداماتی انجام دادم از جمله: - استفاده از الگوهای نوشتاری بزرگ‌تر و رنگی برای دانش‌آموز وارونه‌نویس؛ - تقسیم تکالیف به بخش‌های کوچک‌تر برای دانش‌آموز کندنویس؛ - دادن نقش در فعالیت‌های حرکتی گروهی به دانش‌آموز بیش‌فعال برای تخلیه انرژی و افزایش مشارکت؛ - و استفاده از بازخورد مثبت فوری برای تقویت رفتارهای مطلوب. این تجربه به من آموخت که معلمی مؤثر، نیازمند شناخت دقیق از ویژگی‌های شناختی و رفتاری دانش‌آموزان است. همان‌طور که در پژوهش خرازی و همکاران (۱۳۹۹) آمده، توجه به تفاوت‌های عصبی-رشدی و طراحی فعالیت‌های تطبیقی، موجب افزایش مشارکت و کاهش اضطراب در دانش‌آموزان با نیاز ویژه می‌شود.

شناخت کلاس بر اساس بررسی‌ها و مشاهدات با بررسی دفتر نمره، پوشه‌ی کار دانش‌آموزان، گفت‌وگو با معلم راهنما، مدیر و مشاور مدرسه، و همچنین مشاهدات شخصی در طول کارورزی، به شناختی نسبت به وضعیت کلاس خود رسیدم. مهم‌ترین نکات به شرح زیر است:

. تنوع سطح علمی دانش‌آموزان - برخی دانش‌آموزان در دروس پایه مانند ریاضی و فارسی عملکرد بسیار خوبی دارند و توانایی‌های ویژه‌ای نشان می‌دهند؛ در مقابل، گروهی نیازمند حمایت بیشتر هستند و در یادگیری مفاهیم پایه با دشواری مواجه‌اند.

. نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که خانواده‌هایشان پیگیر تکالیف و فعالیت‌های مدرسه هستند، اعتماد به نفس و انگیزه‌ی بیشتری دارند. در برخی موارد، مشکلات اقتصادی یا کمبود حمایت خانوادگی باعث کاهش تمرکز و افت تحصیلی شده است.

توانمندی‌های خاص دانش‌آموزان حتی دانش‌آموزانی که شرایط زندگی سختی دارند، در زمینه‌هایی مانند هنر، ورزش یا خلاقیت فردی استعدادهای چشمگیری نشان می‌دهند. - این توانمندی‌ها نشان می‌دهد که توجه فردی و تشویق می‌تواند به شکوفایی استعدادها کمک کند.

فضای روانی و اجتماعی کلاس؛ کلاس ترکیبی از دانش‌آموزان پرنرژی و آرام است، مدیریت این تفاوت‌ها نیازمند روش‌های آموزشی متنوع و انعطاف‌پذیر است روابط دوستانه میان دانش‌آموزان در بسیاری موارد به همکاری و یادگیری گروهی کمک می‌کند.

تحلیل سه مرحله‌ی کارورزی نشان داد که: روش‌های تدریس فعال، گفت‌وگو محور و گروهی، موجب افزایش انگیزه، مشارکت و درک مفاهیم می‌شوند؛ - نقش معلم از انتقال‌دهنده‌ی دانش به تسهیل‌گر یادگیری تغییر کرده

است؛ - فضای روانی کلاس، تعامل انسانی و تنوع روش‌ها، از عوامل کلیدی در موفقیت آموزشی هستند؛ - شناخت دقیق از ویژگی‌های دانش‌آموزان و انتخاب روش مناسب، شرط اصلی آموزش مؤثر در دوره‌ی ابتدایی است.

نقش خانواده در ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان و طرز تفکر آن‌ها درباره آینده، خانواده نخستین و مهم‌ترین محیط یادگیری برای هر کودک است.

ارزش‌ها، نگرش‌ها و حمایت‌های خانواده تأثیر مستقیم بر شکل‌گیری ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان دارد. پرورش توانمندی‌ها- خانواده‌ها با ایجاد محیطی امن و حمایتگر، زمینه‌ی شکوفایی استعدادهای فردی را فراهم می‌کنند. - تشویق و حمایت والدین در فعالیت‌های هنری، ورزشی یا علمی باعث می‌شود دانش‌آموزان اعتماد به نفس بیشتری پیدا کنند. در مقابل، کمبود توجه یا مشکلات اقتصادی می‌تواند مانع رشد توانایی‌ها شود، هرچند برخی دانش‌آموزان حتی در شرایط سخت نیز توانمندی‌های ویژه‌ای نشان می‌دهند.

شکل‌گیری نگرش نسبت به آینده تحصیلی و شغلی خانواده‌ها با گفت‌وگو درباره ارزش تحصیل و آینده شغلی، ذهنیت فرزندان را نسبت به مسیر زندگی شکل می‌دهند. - انتظارات والدین (مثلاً تأکید بر ادامه تحصیل یا انتخاب شغل خاص) می‌تواند انگیزه یا فشار روانی ایجاد کند. دانش‌آموزانی که خانواده‌هایشان دیدگاه مثبت و واقع‌بینانه دارند، معمولاً با انگیزه بیشتری برای آینده تلاش می‌کنند.

. یافته‌های کارورزی با بررسی دفتر نمره، پوشه‌ی کار، گفت‌وگو با معلم راهنما، مدیر و مشاور، و مشاهدات شخصی، متوجه شدم که: دانش‌آموزانی که خانواده‌هایشان فعالانه در امور مدرسه مشارکت دارند، عملکرد تحصیلی و اجتماعی بهتری نشان می‌دهند. برخی دانش‌آموزان با وجود مشکلات خانوادگی، استعدادهای خاصی در زمینه‌های هنری یا علمی دارند که نیازمند حمایت ویژه است نگرش خانواده نسبت به آینده تحصیلی فرزندان، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان تلاش و انگیزه‌ی آن‌ها دارد.

تحلیل موقعیت فیزیکی :

ب) تحلیل موقعیت فیزیکی مدرسه :

فضای فیزیکی دبستان شاهد حاج غلامحسین افتخاری، یکی از نقاط برجسته‌ی محیط آموزشی این مدرسه است که نقش مهمی در کیفیت یادگیری، انگیزه‌ی دانش‌آموزان و مدیریت کلاس ایفا می‌کند. در جریان کارورزی سوم، با بررسی دقیق حیاط، کلاس‌ها، فضاهای جانبی، رنگ‌آمیزی و چیدمان داخلی، به این نتیجه رسیدم که طراحی محیط مدرسه، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند تربیت و آموزش است.

حیاط مدرسه وسیع، تمیز و منظم بود. کف آن با دایره‌های رنگی (قرمز، زرد، سبز) طراحی شده بود که برای بازی‌های گروهی، صف‌کشی و فعالیت‌های حرکتی دانش‌آموزان کاربرد داشت. این طراحی نه تنها نظم را در زمان زنگ تفریح افزایش می‌داد، بلکه به تقویت مهارت‌های اجتماعی و حرکتی کودکان کمک می‌کرد. دیوارهای حیاط با نقاشی‌های آموزشی و هنری تزئین شده بودند؛ از جمله تصاویر مربوط به ابرها، عملیات ریاضی، پیام‌های تربیتی و پرچم کشور، که فضای مدرسه را از نظر بصری جذاب‌تر و آموزنده‌تر کرده بود.

مطالعات نشان می‌دهد که محیط فیزیکی مدرسه تاثیر مستقیمی بر انگیزه ، تمرکز و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان دارد ؛ به ویژه در دوره ابتدایی ، رنگ ها ، نور ، تهویه و پیدمان کلاس و امکانات جانبی نقش مهمی در شکل گیری تجربه آموزشی ایفا می کنند (فتحی و همکاران -۱۳۹۹)

در ورودی مدرسه، فلزی و به رنگ قهوه‌ای روشن بود و با نقاشی‌های دیواری در دو طرف آن همراه شده بود. این نقاشی‌ها با مضامین طبیعت، دوستی و وطن‌دوستی، حس امنیت و تعلق را در دانش‌آموزان تقویت می‌کردند. پنجره‌های ساختمان با حفاظ‌های فلزی هندسی طراحی شده بودند که علاوه بر ایمنی، زیبایی خاصی به نمای مدرسه بخشیده بودند.

در طبقه‌ی اول، دفتر مدیریت، آزمایشگاه علوم، و چهار کلاس آموزشی قرار داشت. کلاس‌ها از نظر نور، تهویه و چیدمان مناسب بودند. پنجره‌ها بزرگ و مشرف به حیاط بودند و نور طبیعی به‌خوبی وارد کلاس‌ها می‌شد. رنگ دیوارهای داخلی کلاس‌ها عمدتاً آبی روشن و کرم بود که با کفپوش‌های ساده و تمیز هماهنگ شده بودند. این ترکیب رنگی، حس آرامش و تمرکز را در فضای آموزشی تقویت می‌کرد.

درهای کلاس‌ها چوبی و به رنگ قهوه‌ای روشن بودند و با برچسب‌های رنگی یا تابلوهای آموزشی تزئین شده بودند. این تزئینات، علاوه بر زیبایی، به دانش‌آموزان کمک می‌کردند تا کلاس خود را راحت‌تر تشخیص دهند و حس تعلق بیشتری داشته باشند؛ همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند استفاده از رنگ‌های گرم و طبیعی در طراحی ورودی موجب کاهش اضطراب و افزایش حس تعلق در دانش‌آموزان می‌شود (غفاری - ۱۳۹۸) و نیز طبق پژوهش‌های جابری و همکاران (۱۴۰۱) رنگ آمیزی هدفمند در کلاس درس، موجب افزایش تمرکز و کاهش خستگی ذهنی دانش‌آموزان می‌شود.

آزمایشگاه علوم در همین طبقه قرار داشت و با مدل‌های آموزشی بدن انسان، اسکلت، اندام‌ها و پوست‌های علمی تجهیز شده بود. این فضا برای آموزش علوم تجربی بسیار مؤثر بود و باعث افزایش درک مفاهیم علمی در دانش‌آموزان می‌شد.

در طبقه‌ی زیرزمین، چند فضای مهم و کاربردی قرار داشت که نقش مکمل در فرآیند تربیت داشتند: - اتاق بازی با کفپوش فومی رنگی (صورتی و آبی) و دیوارهای قرمز، محیطی امن و شاد برای فعالیت‌های حرکتی و تخلیه‌ی انرژی دانش‌آموزان فراهم کرده بود. رنگ‌های گرم و پرنرژی این فضا، حس نشاط و آزادی را در کودکان تقویت می‌کرد.

کتابخانه با قفسه‌های چوبی و کتاب‌های کودکان، فضایی آرام برای مطالعه و تقویت سواد خواندن بود. چیدمان میزها و صندلی‌ها به گونه‌ای بود که هم مطالعه‌ی فردی و هم گروهی را امکان‌پذیر می‌کرد. نورپردازی سقف با لامپ‌های سفید و دیوارهای روشن، فضای کتابخانه را دل‌پذیر و تمرکززا کرده بود.

اتاق گفتگو و نمایشگاه دست‌سازه‌ها با دکورهای رنگی و آثار هنری دانش‌آموزان، بستری برای تقویت اعتماد به نفس و بیان خلاقانه فراهم کرده بود. در این فضا، میزهایی با رومیزی‌های رنگی و قفسه‌هایی با کاردستی‌ها و پروژه‌های دانش‌آموزی دیده می‌شد.

سالن آمفی‌تئاتر برای برگزاری جشن‌های مناسبتی مانند جشن قرآن، جشن آب، جشن عدد هزار و جشن حروف الفبا استفاده می‌شد. این فضا، با پرده، صندلی‌های منظم و نورپردازی مناسب، نقش مهمی در تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان داشت؛ نمازخانه در حیاط مدرسه قرار داشت و با طراحی سنتی، فرش‌های تمیز، مهر و محراب، فضایی معنوی برای آموزش نماز و تربیت دینی فراهم کرده بود. پنجره‌های بلند با پرده‌های ساده، نور طبیعی را وارد فضا می‌کردند و حس آرامش را تقویت می‌کردند. بوفه‌ی مدرسه نیز در حیاط قرار داشت و با رعایت اصول بهداشتی، خوراکی‌های سالم در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌داد؛ فضاهای بهداشتی و شست‌وشو؛ سرویس‌های بهداشتی و محل وضو با کاشی‌کاری سفید، شیرهای متعدد و تهویه‌ی مناسب طراحی شده بودند. کفپوش ضدلغزش، پنجره‌های کوچک برای تهویه، و دیوارهای تمیز، نشان‌دهنده‌ی توجه مدرسه به سلامت و بهداشت فردی دانش‌آموزان بود.

جمع‌بندی تحلیل فیزیکی: فضای فیزیکی مدرسه، با طراحی متنوع، رنگ‌آمیزی هدفمند، و امکانات آموزشی و فرهنگی، بستری مناسب برای رشد همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان فراهم کرده بود. این محیط نه تنها به یادگیری علمی کمک می‌کرد، بلکه در تقویت مهارت‌های اجتماعی، دینی، هنری و حرکتی نیز نقش مؤثری داشت. تجربه‌ی حضور

در چنین فضایی، به من آموخت که محیط فیزیکی مدرسه، نه تنها زمینه ساز یادگیری، بلکه عامل مؤثر در شکل گیری شخصیت و انگیزه ی دانش آموزان است.

مؤلفه	موجود وضعیت	منابع اساس بر) مطلوب وضعیت (استانداردها و علمی
نور طبیعی قضای کلاسها	در اما مناسب؛ نور با بزرگ های پنجره مانع ضخیم های پرده ها کلاس برخی بودند نور کامل ورود	های پرده با طبیعی نور از استفاده خستگی کاهش برای شفاف نیمه ابراهیمی،) تمرکز افزایش و چشم طبق همچنین؛ (1390 آموزشی، فضاها ی استانداردهای نورگیر باید دیوار سطح 20٪ حداقل باشد

رنگ امیزی دیوار ها	کلاس در کرم و روشن آبی های رنگ های نقاشی با حیاط دیوارهای ها؛ اندشده تزئین آموزشی	در بخش آرام های رنگ از استفاده برای (ملایم سبز آبی،) ها کلاس و تمرکز، افزایش و اضطراب کاهش برای بازی فضاها در شاد های رنگ (1398 غفاری،) ذهنی تحریک
چیدمان کلاسها	چیده ردیفی و سنتی صورت به میزها فضای ها کلاس برخی در اند؛ شده است محدود حرکت	جابه امکان با پذیرانعطاف چیدمان های فعالیت برای میزها آسان جایی استاندارد با مطابق فردی، و گروهی و جابری) پویا های کلاس طراحی (1401 همکاران،
فضای بازی و نشاط	رنگ و فومی پوش کف با بازی اتاق دایره با حیاط زیرزمین؛ در گرم های شده طراحی رنگی های	با بازی، برای بسته و باز فضای تلفیق استاندارد و ایمن حرکتی تجهیزات جسمی های مهارت تقویت جهت (1394 همکاران، و فتحی)
سرویس های بهداشتی	شیرهای و مناسب تهویه با تمیز، برای ویژه تجهیزات فاقد اما متعدد، خاص نیاز با آموزان دانش	برای آسان دسترسی با فراگیر طراحی دارای جمله از آموزان دانش همه طبیعی نور و تهویه ویژه، نیازهای (1394 صفورا،) کافی
فضای فرهنگی و هنری	گفتگو، اتاق تئاتر، آمفی سالن در کتابخانه و هاسازه دست نمایشگاه دارند قرار زیرزمین	طبقات در فرهنگی فضاها جانمایی و ترآسان دسترسی برای اصلی آموزان دانش بیشتر مشارکت (1404 نوروززاده،)
بوفه و نمازخانه	بوفه حیاط؛ در تمیز و سنتی نمازخانه خوراکی تنوع اما بهداشت رعایت با است محدود	متنوع؛ و سالم های خوراکی با بوفه برای مناسب نور و تهویه با نمازخانه (1398 کاظمی،) روانی آرامش

تحلیل موقعیت عاطفی :

رابطه متقابل مدیر با کارکنان و معلمان مدرسه :

در مدت کارورزی ام در دبستان شاهد حاج غلامحسین افتخاری، فرصت شناخت و مشاهده ی فضای روابط انسانی و حرفه ای میان اعضای مدرسه را به خوبی پیدا کردم. آنچه این محیط را شاخص و متمایز ساخته بود، مدیریتی

بود که خانم معصومه آقابابایی مدیر مدرسه با مهربانی، قاطعیت و احترام بی نظیر خود ایجاد کرده بود و باعث شده بود همه‌ی اعضای مدرسه از حس تعلق و ارزشمندی بهره‌مند شوند

مدیر با معلمان و کارکنان مدرسه رفتاری محترمانه، شنونده و مشارکتی داشت. در جلسات داخلی، نظرات همکاران را با دقت می‌شنید و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت می‌داد. این سبک مدیریت مشارکتی با رویکرد «رهبری تحول‌گرا» هم‌خوانی دارد (فتحی، ۱۳۹۷).

جایگاه و شخصیت مدیر مدرسه؛ خانم معصومه آقا بابایی

خانم آقابابایی، مدیر مدرسه، الگویی از یک مدیر دلسوز، بادرایت و تاثیرگذار است. او به واسطه‌ی برخورد گرم و صمیمی، همواره به همه اعضای مدرسه (معلمان، معاونان، دانشجویان کارورزی و کارکنان خدماتی) احساس احترام، دیده شدن و امنیت روانی می‌بخشد، از نخستین روزهای حضور من در مدرسه، ایشان با خوشرویی و صحبت‌هایی انگیزه‌بخش، ما کارورزان را به سکوی اعتمادبه‌نفس و تجربه‌اندوزی سوق داد. او به خوبی می‌دانست چطور با جوی صمیمی و دلگرم‌کننده اضطراب‌های اولیه را از ما بگیرد و در عین حال با راهنمایی حرفه‌ای و دقیق، مسئولیت‌پذیری را به ما یادآور شود.

تعامل مدیر با معلمان، معاونان و کارکنان خدماتی

ارتباط خانم آقابابایی مدیریت مدرسه با معلمان و معاونان مبتنی بر احترام متقابل، صداقت و دوستی بود، در جلسات داخلی مدرسه، حتی در مواقعی که نیاز به تذکر یا اصلاح وجود داشت، او همیشه با حفظ حرمت سخن می‌گفت و نگرانی‌های معلمان و معاونان را با دقت گوش می‌داد و برای رفع مشکلات، رویکردی مشارکتی پیش می‌گرفت. هیچ‌گاه لحن تحقیرآمیز یا دستوری از او ندیدم؛ در عین حال، در اجرای قوانین و نظم مدرسه، اقتدار لازم را داشت و بر حسن اجرای وظایف با جدیت نظارت می‌کرد. برای مثال، اگر معلمی یا کارورزی وظیفه‌ای را به‌درستی انجام نمی‌داد، با او گفتگوی محترمانه‌ای انجام می‌داد، مشکل را واکاوی و راه حل را همدلانه پیشنهاد

می‌کرد، در رابطه با کارکنان خدماتی و سرایدار، ایشان رفتاری یکسان با دیگر اعضای کادر داشت و همواره شأن انسانی و احترام آنان را رعایت می‌کرد؛ هر خواسته یا مشکلی که از سوی کارکنان خدماتی مطرح می‌شد، با دقت شنیده و تا جایی که ممکن بود، برای حل آن اقدام می‌کرد؛ محیط کاری مدرسه به گونه‌ای بود که حتی نیروهای خدماتی نیز احساس امنیت، احترام و تعلق داشتند و بدون وا همه موضوعات خود را بیان می‌کردند

۳. همکاری و همدلی میان کادر مدرسه

جو حاکم بر میان معلمان مدرسه، سرشار از صمیمیت، مشارکت و اعتماد متقابل بود. هم همکاران باسابقه و هم معلمان تازه‌کار یا دانشجویان کارورزی، تجربیات و نظرات خود را آزادانه در جلسات و حتی گفتگوهای غیررسمی به اشتراک می‌گذاشتند، در اتاق استراحت معلمان، علاوه بر تبادل تجربه‌ها، فضایی دوستانه و پرانرژی برقرار بود؛ شوخی‌های سالم، همدردی در مشکلات و تشویق متقابل باعث افزایش انگیزه برای ادامه مسیر حرفه‌ای می‌شد.، معاونان و مربیان (آموزشی، پرورشی و بهداشتی) نیز نقش رابطان فعال و حمایت‌گر را داشتند. معاون آموزشی در کنار مدیریت بر نظم کلاس‌ها، معلمان و کارورزان را راهنمایی می‌کرد و در راه‌یابی به شیوه‌های نوین آموزشی یاری می‌رساند؛ مربی بهداشت نیز همیشه در همکاری با معلمان درباره‌ی سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان هم‌افزایی می‌کرد و برنامه‌های بهداشتی را با حضور مستمر خود پیش می‌برد. در همه فعالیت‌های فرهنگی و هنری مدرسه، مخصوصاً جشن‌ها و مناسبت‌ها، مانند روز معلم، شاهد عزم و مشارکت تیمی میان مدیر، معاونان، معلمان و دانشجویان بودم که هر یک با انگیزه و علاقه نقشی را پذیرفتند تا مراسم و برنامه‌ها به بهترین شکل اجرا شود.

با دانش‌آموزان: در زنگ‌های تفریح، مدیر با لبخند در حیاط حضور داشت و با دانش‌آموزان گفت‌وگو می‌کرد. در موارد خاص، با دانش‌آموزان به صورت فردی صحبت می‌کرد تا حس امنیت و ارزشمندی را در آنان تقویت کند (کاظمی، ۱۴۰۰).

با کارورزان: مدیر با دانشجو معلمان برخوردی گرم و محترمانه داشت. در ابتدای ورود، ضمن خوش آمدگویی، اهداف کارورزی را توضیح داد و در طول دوره، از فعالیت‌های آنان حمایت کرد. این رفتار، زمینه‌ساز رشد حرفه‌ای کارورزان بود (رضایی، ۱۴۰۱).

. تاثیر روابط حرفه‌ای مدرسه بر دانش‌آموزان و اولیا

هم افزایی و همدلی میان کارکنان و معلمان مدرسه نه فقط باعث افزایش کیفیت آموزشی بلکه موجب ایجاد حس امنیت و اعتماد در دانش‌آموزان و حتی خانواده‌ها نیز شده است. دانش‌آموزان اگر با مشکلی روبه‌رو می‌شدند، با اطمینان خاطر به مدیر یا معلمان مراجعه می‌کردند و اطمینان داشتند که شنیده خواهند شد. اولیا نیز از سبک پاسخگویی و تعامل محترمانه مدیر و معلمان رضایت داشتند و همه‌ی این عوامل، جو مدرسه را گرم، پویا و مثبت نگه داشته بود، تجربه کارورزی در دبستان میهن، به ویژه در سایه مدیریت خانم آقابابایی، به من نشان داد که روابط انسانی و عاطفی درست در محیط کاری تا چه حد می‌تواند در رشد حرفه‌ای، ایجاد تعلق جمعی و بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری تاثیرگذار باشد؛ در کنار جدیت در کار و رعایت نظم و قانون، محبت، احترام، همدلی و تشویق عملی، مثل همان هدیه روز معلم برای معلمان و کارورزان، بنیان فضای مدرسه را قوی و انگیزه‌های حرفه‌ای را چندبرابر می‌کند؛ فضایی که در آن هر عضو خود را ارزشمند و حمایت‌شده می‌داند.

- با خانواده‌ها: در جلسات انجمن اولیا و مربیان، مدیر با صبوری به دغدغه‌های خانواده‌ها گوش می‌داد و تلاش می‌کرد ارتباط مدرسه و خانه را تقویت کند. این تعامل دوسویه، پایه‌ای برای تربیت هماهنگ محسوب می‌شود (نودزاده، ۱۳۹۸).

رابطه متقابل بین مدیر، معلمان و کارکنان مدرسه با اولیا دانش‌آموزان :

یکی از شاخصه‌های مهم و قابل توجه در دبستان میهن، رابطه مثبت، صمیمی و احترام‌آمیز میان کارکنان مدرسه و اولیای دانش‌آموزان است که نقش کلیدی در ایجاد محیطی مطمئن و دلگرم‌کننده برای دانش‌آموزان ایفا می‌کند.

در طول دوره کارورزی، موارد متعددی را از نزدیک شاهد بودم که نشان‌دهنده نوع نگاه انسانی و حرفه‌ای مدیر، معلمان و سایر اعضای کادر مدرسه نسبت به خانواده‌ها و اولیا بود.

برخورد مدیر مدرسه با اولیا

خانم آقابابایی، مدیر مدرسه، همواره با گشاده‌رویی به استقبال و پاسخگویی به والدین دانش‌آموزان می‌پرداخت. هیچ‌گاه دیده نشد که دیدار با اولیا برای او صرفاً یک وظیفه اداری باشد؛ بلکه با صبر و حوصله‌ی مثال‌زدنی، به صحبت‌های والدین گوش می‌داد و دغدغه‌ها یا مشکلات‌شان را با دقت بررسی می‌کرد. در بسیاری موارد، ایشان برای تقدیر و احترام بیشتر، والدین را تا در خروجی راهرو مدرسه همراهی و بدرقه می‌کرد که این کار نشانه‌ی ارزشی است که برای خانواده‌ها قائل بود.

ارتباط معلمان با اولیا

معلمان دبستان میهن، در برخورد با والدین دانش‌آموزان نیز بسیار محترمانه و مسئولانه رفتار می‌کردند. وقتی والدین درباره وضعیت تحصیلی یا رفتاری فرزندشان سوال می‌کردند، معلم بدون هیچ تعارفی به ارائه توضیحات دقیق و روراست می‌پرداخت و همواره تلاش می‌کرد فضای گفتگو را صمیمی، صادقانه و سازنده نگه دارد تا خانواده‌ها با آرامش و اطمینان خاطر مدرسه را ترک کنند، در جلسات اولیا و مربیان یا حتی مراجعات انفرادی والدین، معلمان با سعه‌صدر به دغدغه‌های خانواده‌ها گوش می‌دادند و تلاش داشتند برای هر دغدغه یا سوال راه‌حلی عملی و مناسب ارائه دهند.

معلم کارورزی و ارتباط با خانواده‌ها

معلم کارورزی من، خانم سارا باقلی، همیشه تاکید داشت که رفتار معلم با والدین، باید سرشار از مهربانی، احترام و صداقت باشد. بارها دیده‌ام وقتی والدینی برای صحبت به کلاس مراجعه می‌کردند، خانم باقلی با روی خوش و صمیمیت پذیرای ایشان بود؛ بدون کوچک‌ترین نشانه‌ای از بی‌حوصلگی یا بی‌احترامی. ایشان همواره بیان می‌کرد

که خانواده‌ی دانش‌آموزان باید مدرسه را محیطی امن و دوستانه ببینند و اولین پیش‌نیاز این احساس، رفتار مناسب و دوستانه‌ی معلمان است. معلمان مدرسه نیز همواره با روی گشاده و احترام پاسخ‌گوی مراجعه‌کنندگان بودند. معمولاً اگر والدینی سؤالی درباره وضعیت تحصیلی یا رفتار فرزندشان داشتند، معلم با آرامش و صداقت توضیحات لازم را ارائه می‌داد و به تشریح نکات آموزشی یا تربیتی با زبانی ساده و صمیمی می‌پرداخت. معلمان با سعه صدر پذیرای دغدغه‌ها و نگرانی‌های اولیا بوده و تلاش می‌کردند فضایی ایجاد کنند تا خانواده‌ها با خیال راحت امور فرزندشان را پیگیری کنند.

معلم راهنما با سایر همکاران: معلم راهنما با معاونین، مربیان پرورشی و سایر معلمان روابطی محترمانه و همکاری داشت. در اجرای برنامه‌های فرهنگی و آموزشی، مشارکت فعال داشت و در جلسات داخلی، نظرات تخصصی خود را با آرامش مطرح می‌کرد.

با کارورزان: رابطه‌ای مبتنی بر احترام، آموزش و بازخورد برقرار بود. معلم راهنما در ابتدای هر روز، برنامه‌ی کلاس را توضیح می‌داد و در پایان، بازخوردهای سازنده ارائه می‌کرد. این سبک هدایت، با الگوی «مربی‌گری حمایتی» هم‌خوانی دارد (عباسی، ۱۴۰۲).

با دانش‌آموزان: رفتار معلم راهنما با دانش‌آموزان بسیار محبت‌آمیز بود. در تدریس، از تشویق‌های کلامی، تماس چشمی و مشارکت فعال استفاده می‌کرد. در مواقع خطا، به جای تنبیه، از گفت‌وگو و راهنمایی بهره می‌برد (غفاری، ۱۳۹۹).

- با خانواده‌ها: در جلسات اولیا، معلم راهنما با آرامش و دقت به وضعیت تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان اشاره می‌کرد و پیشنهادهای تربیتی ارائه می‌داد. این ارتباط مؤثر، باعث افزایش اعتماد خانواده‌ها به مدرسه می‌شد.

دانش‌آموزان با یکدیگر: فضای کلاس‌ها و حیاط مدرسه نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی همکاری، همدلی و احترام متقابل

میان دانش‌آموزان بود. در فعالیت‌های گروهی، با احترام به نظرات یکدیگر مشارکت می‌کردند و در صورت اختلاف، از راه‌حل‌های گفت‌وگو محور استفاده می‌کردند (صفورا، ۱۳۹۶).

با اولیای مدرسه: دانش‌آموزان با معاونین، مربیان پرورشی و کارکنان خدماتی با احترام رفتار می‌کردند. در مواقع نیاز، به آنان مراجعه می‌کردند و پاسخ‌های محبت‌آمیز دریافت می‌کردند.

با کارورزان: دانش‌آموزان با کارورزان ارتباطی صمیمی و کنجکاوانه داشتند. در فعالیت‌های آموزشی، با علاقه مشارکت می‌کردند و در مواردی، از آنان راهنمایی می‌خواستند. این رابطه، زمینه‌ساز یادگیری فعال بود (رضایی، ۱۴۰۱).

کارورزان با کارکنان و معلمان مدرسه: کارورزان با احترام و ادب با همکاران مدرسه تعامل داشتند. در اجرای برنامه‌ها، همکاری می‌کردند و در مواقع نیاز، از تجربه‌ی معلمان بهره می‌بردند. این تعاملات، زمینه‌ساز رشد حرفه‌ای آنان بود (فتحی صفورا، ۱۳۹۴).

با دانش‌آموزان: کارورزان با مهربانی و صبر با دانش‌آموزان ارتباط برقرار می‌کردند. در فعالیت‌های گروهی، نقش تسهیل‌گر داشتند و به دانش‌آموزان ضعیف‌تر توجه ویژه نشان می‌دادند. این رفتار مطابق با اصول تربیت فراگیر است (کاظمی، ۱۳۹۸).

ایده ها و راه حل های هوشمندانه جهت تحقق نقطه کانونی من :

با توجه به اولین نقطه کانونی من که ضعف در مدیریت زمان درست کلاس می باشد با مصاحبه با استاد راهنما ، معلم راهنما، اعضای گروه کارورزی ۳، مشاهده و بررسی انواع عملکردهای معلمان مدرسه ومطالعه و بررسی منابع علمی، جهت پیدا کردن راهکارهای عملی، در راستای تحقق نقطه کانونی خود پرداختم.در نهایت در این مسیر به یافته ها و راه حل های زیر دست پیدا کردم،تا بتوانم از این راه حل ها در حین اجرای طرح درس و تدریس استفاده کنم ، تا به نقطه کانونی خود دست بیابم.

۱	تدوین قوانین و قرارداد های کلاسی با مشارکت دانش آموزان ؛ وقتی بچه ها خودشان در ساخت قوانین نقش داشته باشند بیشتر به ان پایبند می مانند ؛ مدیریت زمان موثر کلید دستیابی به بهره وری آموزشی است و میتواند به شکل گیری فرهنگی مبتنی بر نظم ، دقت و تعهد در مدارس منجر شود هنگامی که زمان به درستی مدیریت شود آموزش به فرایندی هدفمند و معنادار تبدیل می شود و دانش آموزان می آموزند که چگونه زمان را در خدمت رشد فردی و اجتماعی خود قرار دهند (تمیمی - ۱۴۰۳)
۲	استفاده از تقویت کننده های مثبت مانند تشویق کلامی ، امتیاز گروهی و کارت ستاره برای رفتار های درست و تمرکز روی رفتار های مثبت به جای تنبیه رفتار های منفی ؛ علی اکبر سیف (۱۳۹۹) در کتاب یادگیری و آموزش تاکید می کند که مدیریت کلاس زمانی موفق است که معلم بتواند با ایجاد قوانین روشن و استفاده از تقویت مثبت ، محیطی منظم و انگیزشی برای یادگیری فراهم کند .او می

	گوید معلم باید با طراحی فعالیت های متنوع و جذاب فرصت بی نظمی را کاهش دهد و دانش آموزان را درگیر یادگیری فعال کند.
۳	مدیریت فضا و جایگاه نشستن و نشان دادن دانش آموزان پر انرژی در ردیف های جلو و نزدیک معلم و تغییر جایگاه ها برای ایجاد تعامل جدید و کاهش حواس پرتی ؛ محمد امیر کبیری (۱۳۹۷) در کتاب مدیریت کلاس درس اشاره می کند که جایگاه نشستن دانش آموزان و نحوه تعامل معلم با آنان نقش مهمی در کنترل کلاس دارد او می نویسد معلم باید با تغییر آرایش کلاس و استفاده از زبان بدن قاطع اما دوستانه فضای یادگیری مثبت ایجاد کند.
۴	ارتباط موثر و زبان بدن قاطع اما دوستانه که پیام نظم و احترام را به دانش آموزان منتقل کند و استفاده از تغییر لحن صدا برای جلب توجه دانش آموزان
۵	تنوع در فعالیت های آموزشی که از خستگی و بی نظمی و بی توجهی دانش آموزان جلوگیری می کند ؛ یافته های تحقیق نشان می دهند که برنامه ریزی دقیق روزانه و استفاده از تکنیک های تدریس فعال ، تقسیم بندی زمان به واحد های کوتاه و هدفمند و بهره گیری از ارزشیابی مستمر و سریع از جمله راهکارهایی هستند که موجب افزایش نظم و مشارکت دانش آموزان می شوند (رضایی و محمدی - ۱۴۰۴)
۶	ترکیب فعالیت های فردی ، گروهی و بازی های آموزشی برای حفظ تمرکز ؛ علی شریعتمداری (۱۳۹۸) در کتاب اصول و روش های تدریس بیان می کند که روش های نوین تدریس باید بر پایه مشارکت فعال دانش آموزان بنا شود. او توضیح می دهد که معلم با استفاده از روش های گروهی و پرسش گری می تواند همزمان نظم کلاس را حفظ کند و هم یادگیری عمیق ایجاد نماید.
۷	برنامه ریزی دقیق طرح درس و فعالیت های جایگزین ؛ وقتی فعالیت ها و زمان بندی ها مشخص باشند فرصت بی نظمی کمتر خواهد شد.

طراحی (تدوین طرح درس بر مبنای رویکرد ساختن گرایی) :

انتخاب یک درس از یکی از کتاب های مورد تدریس

نام کتاب : علوم تجربی موضوع درس : گیاهان و نیاز های آنها پایه تحصیلی : سوم

مدت تدریس : ۴۵ دقیقه

مفاهیم :

گیاهان موجودات زنده هستند - نیاز های اصلی گیاهان نور خورشید و آب و هوا اند - اگر یکی از نیاز های اصلی گیاهان فراهم نباشد رشد گیاه مختل می شود - گیاهان در محیط های مختلف رشد می کنند.

مهارت ها :

مهارت های عمومی :

مشاهده دقیق و تمرکز بر جزئیات – همکاری موثر در فعالیت های گروهی - پرسش گری و کنجکاوی علمی - بیان شفاهی منظم و قابل فهم – گوش دادن فعال به توضیحات معلم و همکلاسی

مهارت های اختصاصی :

طبقه بندی نیاز های گیاهان براساس نوع و اهمیت – طراحی و اجرای آزمایش ساده برای بررسی تاثیر نور یا اب بر رشد گیاه - تحلیل داده های آزمایشی و نتیجه گیری علمی – مقایسه شرایط رشد گیاهان در محیط های مختلف

مهارت های زندگی :

مسئولیت پذیری در مراقبت از گیاهان کلاس یا خانه – احترام به طبیعت و محیط زیست - تصمیم گیری آگاهانه درباره رفتار های محیط زیستی - تقویت حس زیبایی شناسی و نظم از طریق مشاهده گیاهان - درک اهمیت منابع طبیعی و صرفه جویی در آب .

تعیین پیامد های یادگیری :

انتظار می رود دانش آموزان بتوانند :

۱. دانش‌آموز می‌تواند نیازهای اصلی گیاهان را نام ببرد (نور، آب، خاک، هوا).
۲. دانش‌آموز می‌تواند تأثیر نبود هر یک از نیازها را بر رشد گیاه توضیح دهد.
۳. دانش‌آموز می‌تواند با مشاهده‌ی گیاهان، شرایط رشد آن‌ها را تحلیل کند.
۴. دانش‌آموز می‌تواند در قالب فعالیت گروهی، درباره‌ی مراقبت از گیاهان گفت‌وگو کند.
۵. دانش‌آموز می‌تواند نتایج آزمایش ساده درباره‌ی رشد گیاه را ثبت و گزارش کند.
۶. دانش‌آموز می‌تواند رفتار مسئولانه در قبال محیط زیست و گیاهان نشان دهد.
۷. دانش‌آموز می‌تواند اطلاعات علمی را از منابع مختلف (کتاب، فیلم، مجله) جمع‌آوری کند.
۸. دانش‌آموز می‌تواند با استفاده از جدول یا نمودار، داده‌های مربوط به رشد گیاه را سازمان‌دهی کند.

تعیین ملاک‌های سطوح عملکرد :

سطح یک	اطلاعات کتاب درسی و توضیحات معلم درباره نیاز های گیاهان
سطح دو	مقایسه با مطالب کتاب های دیگر علوم پایه دوم و چهارم
سطح سه	استفاده از منابع جانبی مثل مجله رشد کودک ، سایت آموزشی و فیلم های علمی کوتاه

ضمائم:

تصاویر شماره ۱ تا ۹ مربوط به فضای فیزیکی دبستان شاهد حاج غلامحسین افتخاری می شوند.



تصویر شماره ۱ فضای فیزیکی ، سالن جلسات مدرسه



تصویر شماره ۲ فضای فیزیکی ، کتابخانه مدرسه



تصویر شماره ۳ فضای فیزیکی ، اتاق بازی



تصویر شماره ۴ فضای فیزیکی ، آزمایشگاه مدرسه



تصویر شماره ۵ فضای فیزیکی ، نمازخانه مدرسه



تصویر شماره ۶ فضای فیزیکی ، راهرو مدرسه



تصویر شماره ۷ فضای فیزیکی ، حیاط مدرسه



تصویر شماره ۸ فضای فیزیکی ، سرویس های بهداشتی مدرسه



تصویر شماره ۹ فضای فیزیکی ، نمای بیرونی ساختمان آموزشی دبستان شاهد حاج غلامحسین افتخاری